

A study of alcohol consumption by non-Muslims in With emphasis on Article 266 of ;Iranian criminal law the Islamic Penal Code.

1- Ali Shafiei Simki¹

1- Master's degree in Criminal Law and Criminology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod, Yazd, Iran..

Abstract:

The prohibition of alcohol in religious texts refers to the nature of "intoxicant" and its harmful effects on reason and social order, and is not dependent on the religion or nationality of the subject. Therefore, if the scope of the ruling is to preserve reason, individual health, and protect public order, this criterion will not be specific to a specific group. In addition, alcohol consumption is also known from the perspective of medical and psychological sciences as a harmful factor for the body, mind, and social relations, and these effects are equally directed at all humans. Therefore, the difference in the legislative treatment of Muslims and non-Muslims is defensible if an independent and reliable basis can be provided for it; otherwise, it will conflict with the principle of equality before the law and the rule of non-harm, as well as with the application of the evidence of prohibition. The present study, using a descriptive-analytical method, while accurately explaining the concept of non-Muslims drinking alcohol and examining the jurisprudential evidence related to its prohibition, has analyzed the criterion of the ruling and its scope. The findings show that the jurisprudential evidence of prohibition refers to the nature of intoxicants and their effects and is not exclusive; scientific data also emphasize the harmfulness of alcohol consumption, regardless of Sharia law and nationality. Accordingly, there is no conflict between the jurisprudential and scientific approaches to the principle of abomination and the prohibition of drinking alcohol, and its prohibition has a coherent basis. As a result, the distinction stipulated in Article 266 of the Islamic Penal Code and its note, which establishes a distinction between Muslims and non-Muslims in this ruling, is not sufficiently documented from the perspective of Sharia principles and scientific findings and is open to dispute.

Keywords: Drinking alcohol, non-Muslims, Article 266 of the Islamic Penal Code, Iranian criminal policy.

¹ Alishafiei1735@gmail.com

بررسی شرب خمر غیرمسلمانان در حقوق کیفری ایران؛ با تأکید بر ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی

علی شفیعی سیمکی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

چکیده

حرمت خمر در متون شرعی ناظر به ماهیت «مسکر» و آثار زیان‌بار آن بر عقل و نظم اجتماعی است، نه وابسته به دین یا تابعیت فاعل. از این رو، چنانچه مناط حکم، حفظ عقل، سلامت فرد و صیانت از نظم عمومی باشد، این ملاک اختصاص به گروه خاصی نخواهد داشت. افزون بر این، مصرف الکل از منظر علوم پزشکی و روان‌شناسی نیز به‌عنوان عاملی آسیب‌زا برای جسم، روان و روابط اجتماعی شناخته می‌شود و این آثار، به‌طور یکسان متوجه همه انسان‌هاست. بنابراین، تفاوت در برخورد تقنینی با مسلمان و غیرمسلمان، در صورتی قابل دفاع است که بتوان برای آن مبنایی مستقل و قابل اتکا ارائه کرد؛ در غیر این صورت، با اصل تساوی در برابر قانون و قاعده لاضرر و نیز با اطلاق ادله حرمت، در تعارض خواهد بود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین دقیق مفهوم شرب خمر غیرمسلمانان و بررسی ادله فقهی مربوط به حرمت آن، به تحلیل ملاک حکم و قلمرو شمول آن پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که مستندات فقهی حرمت، ناظر به ماهیت مسکر و آثار آن است و اختصاص‌بردار نیست؛ همچنین داده‌های علمی نیز بر زیان‌بار بودن مصرف الکل، فارغ از شریعت و ملیت، تأکید دارند. بر این اساس، میان رویکرد فقهی و علمی در اصل قبح و منع شرب خمر تعارضی مشاهده نمی‌شود و ممنوعیت آن از پشتوانه‌ای منسجم برخوردار است. در نتیجه، تفکیک مقرر در ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن، مبنی بر ایجاد تمایز میان مسلمان و غیرمسلمان در این حکم، از منظر مبنایی شرعی و یافته‌های علمی، مستند کافی نداشته و قابل مناقشه است.

واژگان کلیدی: شرب خمر، غیرمسلمانان، ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی، سیاست جنایی ایران.



^۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، میبد، یزد، ایران.

۱- مقدمه

امروزه یکی از چالش‌های اساسی بشر، یافتن پاسخ‌هایی مستدل برای پرسش‌ها و شبهاتی است که در ذهن او شکل می‌گیرد؛ زیرا در صورت بی‌پاسخ ماندن این پرسش‌ها، آثار آن در نگرش و رفتار فردی و اجتماعی نمود می‌یابد. در عصر جدید نیز قوانین و مقررات موضوعه همواره زمینه‌ساز طرح پرسش‌ها و ابهامات گوناگون بوده‌اند. بدیهی است اگر به این پرسش‌ها پاسخ داده نشود، التزام عملی به قانون تضعیف خواهد شد و در نتیجه، غرض مقنن محقق نمی‌شود؛ چراکه هدف از وضع قوانین، برقراری نظم، امنیت و سامان اجتماعی است. حال آنکه اگر شهروندان نسبت به قوانین متعهد و مقید نباشند و این عدم التزام ناشی از اقناع نشدن و پذیرش نیافتن قواعد باشد، خود قانون می‌تواند به عاملی برای بی‌نظمی و هرج‌ومرج بدل شود. از این رو، به نظر می‌رسد در نظام‌های حقوقی معاصر، افزون بر تصویب قانون، تبیین فلسفه و حکمت وضع آن نیز از شروط اساسی کارآمدی و بازدارندگی قوانین به شمار می‌رود.

باین‌حال، صرف تبیین فلسفه تقنین نیز تمامی مشکل را حل نمی‌کند؛ زیرا برخی قوانین در گذشته تصویب شده‌اند، بی‌آنکه مبانی و اهداف آن‌ها به‌روشنی بیان شده باشد. این خلأ، زمینه‌ساز طرح پرسش‌ها و شبهات متعددی شده است. هرچند در بسیاری از موارد، به این ابهامات پاسخ داده شده یا قانون‌گذار اقدام به اصلاح و بازنگری مقررات کرده است، اما در برخی حوزه‌ها همچنان ابهاماتی باقی مانده است. از جمله این موارد، ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن است که به موضوع شرب خمر غیرمسلمانان می‌پردازد. مطابق این ماده، تحقق بزه شرب خمر نسبت به غیرمسلمانان منوط به «تظاهر» است، در حالی که در مورد مسلمانان چنین قیدی وجود ندارد. از این رو، در تقسیم‌بندی جرایم در حقوق کیفری ایران، شرب خمر توسط غیرمسلمانان جرمی مقید و توسط مسلمانان جرمی مطلق تلقی می‌شود.

این تمایز تقنینی میان مسلمانان و غیرمسلمانان، به سبب ظاهر تبعیض‌آمیز آن، پرسش‌ها و شبهات متعددی را برانگیخته است. در صورتی که این ابهامات بدون پاسخ باقی بماند، نه تنها کارکرد بازدارندگی قانون کاهش می‌یابد، بلکه انسجام نظام تقنینی در حوزه مربوط نیز دچار

خدا شده می‌شود. استمرار چنین وضعیتی می‌تواند به تضعیف اقتدار قانون و کاهش اعتماد عمومی نسبت به آن بینجامد؛ امری که با هدف بنیادین قانون‌گذاری در تعارض است. در پژوهش حاضر تلاش شده ضمن تبیین مفاهیم بنیادین شرب خمر، مسلمان و غیرمسلمان، و نیز مفهوم «تظاهر»، مبانی و علل تفاوت رویکرد قانون‌گذار نسبت به این دو گروه بررسی شود و مستندات احتمالی آن از منظر فقهی، حقوقی و عقلی تحلیل گردد. همچنین دیدگاه‌های مخالف این تمایز تقنینی و ادله ناظر بر اصل عدم تفاوت در برابر قانون مورد بررسی قرار گرفته است تا در نهایت روشن شود آیا اتخاذ رویکردی متفاوت نسبت به مسلمانان و غیرمسلمانان در موضوع شرب خمر از توجیه کافی برخوردار است یا آنکه ادله ارائه‌شده توان مقابله با اصل برابری را نداشته و مقرر مذکور نیازمند بازنگری و اصلاح است.

پیشینه شرب خمر و ممنوعیت آن در حکومت‌ها

در مورد پیشینه استفاده از مواد مستی‌آور، در گام نخست روشن می‌شود که این مواد در اصل به وسیله انسان کشف شده و از جمله اکتشافات بشر به‌شمار می‌آیند. انسان در آغاز به کشت دانه‌های گیاهی روی آورد؛ اما در ابتدا نه توان نگهداری این محصولات را داشت و نه می‌توانست بیش از نیاز خود به کشت آن‌ها پردازد. افزون بر این، کشت این دانه‌ها در آن زمان اهمیت چندانی برای انسان نداشت. با این حال، پس از کشف دو ویژگی خاص، این دانه‌های گیاهی جایگاهی ویژه پیدا کردند: ویژگی نخست آن بود که این دانه‌ها در تماس با آب جوانه می‌زدند، طعمی شیرین پیدا می‌کردند و موجب افزایش نیرو و توان می‌شدند؛ ویژگی دوم، که اهمیتی دوچندان داشت، این بود که حریره‌ای که چند روز باقی می‌ماند، به‌ویژه اگر از تخمیر غلات به دست می‌آمد، در اثر دگرگونی‌ای اسرارآمیز به مایعی سرخوش‌کننده تبدیل می‌شد. این فرایند در واقع نتیجه فعالیت مخمرهای طبیعی موجود در هوا و تخمیر قند حریره به الکل بود؛ به این معنا که حریره به آبجو و مایعی مستی‌آور تبدیل می‌شد. در اسناد تاریخی برجامانده از دوران مصر باستان، دست‌کم به هفده نوع آبجوی مختلف اشاره شده است و به همین

ترتیب، در نوشته‌های باستانی به دست آمده از میان‌رودان، مربوط به حدود سه هزار سال پیش از میلاد، از بیست نوع مختلف آبجو نام برده شده است. با این حال، از آن‌جا که انسان در آن زمان هنوز قدرت نگارش نداشت و نوشتن نیز ابداع نشده بود، هیچ سند نوشتاری‌ای درباره اهمیت آیینی و اجتماعی آبجو در دوران نوسنگی در دست نیست؛ اما از اسناد دوران‌های بعد می‌توان نتیجه گرفت که آبجو در میان تمدن‌هایی مانند میان‌رودان، سومریان و مصریان باستان رواج داشته است. (تام استندج، ۲۰۱۷: ۱۸)

آنچه گفته شد، به پیشینه‌ای از چگونگی پیدایش و آغاز استفاده انسان از مواد مست‌کننده پرداخت. با گذشت زمان و با توجه به پیامدهای استفاده از مواد مستی‌آور، برخی دولت‌ها و حکومت‌ها محدودیت‌هایی را برای شرب و استعمال این مواد مسکر در نظر گرفتند. بر اساس آمار، در حال حاضر ۱۴ کشور استفاده از مشروبات الکلی را یا به‌طور مطلق یا صرفاً برای مسلمانان ممنوع اعلام کرده‌اند. در تعدادی از کشورها نیز استفاده از مشروبات الکلی تنها در مکان‌های خاصی مجاز است و استعمال مواد مستی‌آور در اماکن عمومی و تفریحی ممنوع می‌باشد. همچنین، برخی کشورها برای مدت محدودی اقدام به اعمال محدودیت نسبت به استعمال مواد مستی‌آور نموده‌اند؛ از جمله این کشورها ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۱۹ قانونی را برای منع مصرف مشروبات الکلی وضع کرد، اما پس از ۱۴ سال این قانون را لغو نمود (حقوق‌شناس، ۱۳۹۹، ص ۲۲۰). با این حال، ممنوعیت قانونی شرب خمر و مواد مستی‌آور در ایران، چه برای مسلمانان و چه برای غیرمسلمانان، برای اولین بار با تصویب قانون حدود و قصاص در سال ۱۳۶۱ و بر طبق ماده ۱۳۱ قانون راجع به مجازات اسلامی و تبصره آن، وضع شد. این قانون در سال ۱۳۷۰ عیناً همان قانون سال ۱۳۶۱ را در بر گرفت؛ اما در سال ۱۳۹۲ با اندکی تفاوت و تغییر، این ممنوعیت مجدداً وضع گردید. (شاکری و مالدار، ۱۳۹۶: ۱۳۸)

ممنوعیت در شریعت اسلام

اما از منظر شریعت مقدس اسلام، شرب خمر و مواد مست‌کننده حرام و ممنوع است و در آیات متعدد قرآن کریم، خداوند متعال شرب خمر را حرام اعلام کرده است؛ از جمله آیات ۶۷ سوره نحل، ۲۱۹ سوره بقره، ۴۳ سوره نساء و ۹۰ و ۹۱ سوره مائده. آنچه از این آیات شریف استنباط می‌شود آن است که حرمت شرب خمر در شریعت مقدس اسلام به صورت تدریجی تشریح شده است؛ زیرا جامعه عرب آن روز غرق در می‌گساری بود و به سه خصلت مشهور بود: شعر، شراب و جنگ. از این رو، امکان آن وجود نداشت که خداوند متعال به صورت دفعی شرب خمر را ممنوع کند. بر اساس یکی از نظریه‌ها، تحریم خمر در شریعت اسلام به صورت تدریجی و در چهار مرحله بیان شده است:

مرحله نخست: در آیه شریفه «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل / ۶۷)، خداوند متعال صرفاً به مسکرات اشاره فرموده و آن‌ها را در برابر رزق حسن قرار داده است، بی‌آنکه حکمی درباره آن بیان کند.

مرحله دوم: در مرحله بعد، خداوند متعال مسئله گناه بودن شراب را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که هرچند مصرف مسکرات ممکن است منافی داشته باشد، اما زیان آن‌ها بیشتر است. در این مرحله، خداوند حکیم با لحنی آرام و بدون قصد مذمت یا سرزنش، صرفاً مضرات شرب خمر را بیان می‌کند: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا...» (بقره / ۲۱۹).

مرحله سوم: در این مرحله، خداوند شرب و استعمال خمر را عملی پلید دانسته و آن را از اعمال شیطان معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده / ۹۰).

مرحله چهارم: در این مرحله نیز خداوند متعال، به‌عنوان آخرین مرحله در سیر تدریجی بیان ممنوعیت شرب خمر، با لحنی قاطع و به‌دور از ابهام، شرب خمر را تحریم می‌نماید: «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ

عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده / ۹۱) (کمپجانی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۶۲).

ممنوعیت در عهد قدیم و جدید

در آیات بسیاری از عهد عتیق به واژه «شراب» اشاره شده است و از آن به‌عنوان مایعی زیان‌بار یاد شده و مصرف آن مورد سرزنش قرار گرفته است. در برخی موارد نیز از علل تحریم شراب در میان یهود سخن به میان آمده است.

کتاب‌های تاریخی نشان می‌دهند که مسیحیت در عصر حضرت مسیح (ع) ادامه‌دهنده آیین و روش حضرت موسی (ع) بوده است؛ به‌گونه‌ای که تمامی مراسم عبادی مسیحیان نیز همانند یهودیان برگزار می‌شده و حضرت عیسی (ع) نیز به قوانین تورات به‌طور کامل عمل می‌کرده و به سنت‌های یهودیت پایبند بوده است. مؤید این ادعا آن است که در منابع تاریخی آمده است حضرت مسیح (ع) و شاگردانش در زمان شام، شراب تخمیرنشده، یعنی آب انگور، می‌نوشیدند و همواره نوشیدن مسکرات را منع می‌کردند؛ زیرا مصرف آن را موجب فساد بدن می‌دانستند (کمپجانی و کاظمی، ۱۳۹۷: ۷۶).

آنچه در نتیجه مسلم و روشن است آن است که ریشه همه ادیان الهی یکی است و واضع تمامی قوانین موجود در این ادیان، خالق متعال است. بنابراین، تحریم یک مسئله در یکی از ادیان الهی، خود دلیلی بر ممنوعیت آن در سایر ادیان الهی است. چنان‌که با بررسی شریعت مقدس اسلام، آیین یهودیت و مسیحیت روشن شد که خداوند متعال در دستورات و قوانین هر سه شریعت، شرب خمر را مورد نکوهش و مذمت قرار داده است. مؤید این مطلب، حدیثی از امام رضا (ع) است که می‌فرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا لِيُحَرِّمَ الْخَمْرَ؛ وَ أَنْ يُقِرَّ لَهُ بِأَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ.»؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر با تحریم شراب، و اینکه اقرار داشت که خدا هر چه بخواهد انجام می‌دهد (بحارالانوار، ۱۳۴/۷۹).

ارکان تشکیل دهنده جرم شرب خمر در نظام حقوقی ایران

به‌طور طبیعی، هر جرم از سه رکن مادی، معنوی و قانونی تشکیل می‌شود و جرم شرب خمر نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ از این‌رو، در ادامه به بیان ارکان سه‌گانه تشکیل دهنده این جرم در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم:

رکن قانونی

بررسی تاریخی ممنوعیت شرب خمر در نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که این موضوع، حتی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در عرصه تقنین مطرح بوده است، هرچند رویکرد قانون‌گذار در دوره‌های مختلف یکسان و منسجم نبوده است. در سال ۱۳۱۳، در قالب «نظام‌نامه رسومات»، مجوز تأسیس کارخانه‌های آبجوسازی صادر شد و متعاقب آن، دولت و مجلس مقرراتی درباره فعالیت کارخانه‌های تولید مشروبات الکلی و نیز تعیین عوارض گمرکی برای واردات این محصولات وضع کردند. این اقدامات بیانگر رویکردی مبتنی بر تنظیم و نظارت اقتصادی بر تولید و توزیع مشروبات الکلی بود، نه ممنوعیت مطلق آن. با این حال، در دوره حکومت پهلوی نوعی تعارض تقنینی در این حوزه مشاهده می‌شود. از یک سو، در جلسه مورخ ۱۲ تیر ۱۳۲۷، هیئت دولت فروش مشروبات الکلی را در شهرهای مذهبی مشهد و قم ممنوع اعلام کرد؛ اما از سوی دیگر، تنها یک سال پیش از آن، اختیار صدور مجوز نصب ماشین‌آلات تولید مشروبات الکلی در شهرهایی همچون تهران، قزوین، تبریز، رضائیه (ارومیه)، مراغه، اصفهان، شیراز، مشهد، اراک، قوچان، کرمانشاه، همدان و اهواز به وزارت دارایی واگذار شده بود. این دوگانگی نشان می‌دهد که سیاست جنایی حاکم در آن دوره، بیش از آنکه مبتنی بر یک مبنای ارزشی منسجم باشد، متأثر از ملاحظات اداری، اقتصادی و منطقه‌ای بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رویکرد قانون‌گذار به طور بنیادین تغییر یافت و سیاست تقنینی در زمینه شرب خمر بر مبنای موازین فقهی و شرعی استوار شد. نخستین تحول اساسی در حوزه حقوق کیفری در سال ۱۳۶۱ با تصویب «قانون راجع به مجازات اسلامی» رخ داد. این قانون که مشتمل بر ۴۱ ماده و ۳۸ تبصره بود، صرفاً به کلیات حقوق جزا و تعریف انواع مجازات‌ها می‌پرداخت و در آن به طور خاص درباره حدود، قصاص و دیات سخنی به میان نیامده بود؛ بنابراین، مقررات مستقلی درباره جرم شرب خمر نیز در آن پیش‌بینی نشد.

در همان سال، دو قانون دیگر با عناوین «قانون حدود و قصاص» (شامل ۲۱۵ ماده و ۵۰ تبصره) و «قانون دیات» (شامل ۲۱۱ ماده و ۹ تبصره) به تصویب رسید. بدین ترتیب، مجموعه این قوانین جایگزین «قانون مجازات عمومی» سابق شد. در ماده ۱۲۳ «قانون حدود و قصاص» برای نخستین بار پس از انقلاب، حکم صریحی درباره حد شرب خمر وضع شد. با این وجود، این قانون صرفاً به جنبه حدی جرم پرداخته و درباره رفتارهای تعزیری مرتبط با آن، نظیر تظاهر به مصرف یا سایر رفتارهای مرتبط، مقرره‌ای پیش‌بینی نکرده بود.

در ادامه، قانون‌گذار در سال ۱۳۶۲ «قانون تعزیرات» را تصویب کرد. در مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ این قانون، رفتارهایی نظیر تظاهر به مصرف مسکرات، ساخت، نگهداری و قاچاق مشروبات الکلی جرم‌انگاری شد. با وجود این، وضعیت مصرف مشروبات الکلی توسط غیرمسلمانان به طور شفاف تعیین تکلیف نشده بود و همین امر در عمل موجب بروز ابهاماتی شد.

در راستای رفع پراکندگی قوانین کیفری، قانون‌گذار در سال ۱۳۷۰ سه قانون «مجازات اسلامی»، «حدود و قصاص» و «دیات» را در یک مجموعه واحد ادغام و آن را تحت عنوان «قانون مجازات اسلامی» در چهار کتاب تنظیم کرد. با این حال، مقررات تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ به قوت خود باقی ماند تا اینکه در سال ۱۳۷۵ «قانون تعزیرات» جدید تصویب و به عنوان کتاب پنجم به قانون مجازات اسلامی ملحق شد. با وجود این تحولات، همچنان مقرره‌ای صریح درباره شرب خمر غیرمسلمانان وضع نشد و تغییرات صورت‌گرفته عمدتاً ناظر بر اصلاحات جزئی در احکام پیشین بود.

نهایتاً با تصویب «قانون مجازات اسلامی» مصوب ۱۳۹۲، ساختار قانون‌گذاری در این حوزه انسجام بیشتری یافت. این قانون در چهار کتاب (کلیات، حدود، قصاص و دیات) تنظیم شد و تعداد مواد آن از ۴۹۷ ماده در قانون ۱۳۷۰ به ۷۲۸ ماده افزایش یافت. در این قانون، مقررات مربوط به شرب خمر با تفصیل بیشتری بیان شد. به موجب ماده ۲۶۴، مصرف مسکر - اعم از خوردن، تزریق یا تدخین، کم یا زیاد، جامد یا مایع، مست‌کننده یا غیرمست‌کننده، خالص یا مخلوط - در صورتی که عنوان مسکر بر آن صادق باشد، موجب حد است. همچنین تبصره این ماده، خوردن فقاع (آبجوی مسکر) را حتی در فرض عدم ایجاد مستی، مستوجب حد دانسته است. مطابق ماده ۲۶۵، مجازات شرب خمر هشتاد ضربه شلاق حدی تعیین شده است. نوآوری مهم قانون ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۶ نمود یافته است؛ بدین معنا که برای نخستین بار وضعیت غیرمسلمانان به طور صریح مشخص شد. بر اساس این ماده، غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر محکوم به حد خواهد شد. همچنین در تبصره مقرر شده است که اگر مصرف مسکر توسط غیرمسلمان علنی نباشد، اما وی در حال مستی در معابر یا اماکن عمومی ظاهر شود، به مجازات مقرر برای تظاهر به عمل حرام محکوم می‌شود. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین و جامع‌ترین مستند قانونی در زمینه ممنوعیت شرب خمر برای مسلمانان و تعیین وضعیت کیفری غیرمسلمانان، مواد ۲۶۴ تا ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است؛ قانونی که نسبت به مقررات پیشین از انسجام بیشتر و تعیین تکلیف صریح‌تری برخوردار است.

رکن مادی

جرم شرب خمر را می‌توان به‌نوعی جرم مادر تلقی کرد؛ جرائمی متفاوت نیز پیرامون آن قابل ارتکاب است. با این حال، از آن‌جا که موضوع این پایان‌نامه درباره شرب خمر مسلمانان و غیرمسلمانان است، به بررسی رکن مادی دو جرم شرب خمر مسلمانان و غیرمسلمانان می‌پردازیم.

شرب خمر مسلمانان و غیرمسلمانان

شرایط تشکیل دهنده رکن مادی شرب خمر مسلمانان غیرمسلمانان به شرح ذیل است:

فعل و رفتار مرتکب

تحقق جرم شرب خمر، مانند سایر جرائم، مستلزم احراز رابطه علیت میان رفتار شارب خمر و نتیجه موردنظر است. این جرم، خواه از سوی مسلمان ارتکاب یابد یا غیرمسلمان، برای تحقق نیازمند فعل فیزیکی مثبت است و با ترک فعل یا فعل مادی منفی محقق نمی‌شود. همچنین، تحقق آن منوط به استمرار رفتار نیست و صرف ارتکاب آن برای یکبار کفایت می‌کند؛ از این رو، شرب خمر در زمره جرائم آنی قرار می‌گیرد و نیازی به تکرار ندارد. نکته دیگر آن‌که در ارتکاب جرم شرب خمر، حصول نتیجه و ایجاد حالت مستی شرط نیست و این جرم، مقید به نتیجه محسوب نمی‌شود؛ بلکه به محض ارتکاب فعل مجرمانه، شخص مرتکب، مجرم شناخته شده و مستحق تعقیب کیفری و مجازات خواهد بود.

غیرقانونی بودن فعل

ارتکاب جرم شرب خمر مشروط بر آن است که فعل و رفتار مرتکب، به صورت غیرقانونی و نامشروع باشد؛ بنابراین، افعالی که فاقد وصف نامشروع و غیرقانونی‌اند، مشمول عنوان شرب خمر نخواهند بود و طبعاً مجازاتی نیز در پی نخواهند داشت.

همچنین، ارتکاب شرب خمر غیرقانونی و نامشروع نسبت به مسلمانان و غیرمسلمانان از حیث رکن مادی متفاوت است و نمی‌توان با تحقق یک فعل مادی واحد، هر دو گروه را برای ارتکاب جرم شرب خمر تحت تعقیب و مجازات کیفری قرار داد. زیرا در خصوص مسلمانان، صرف استعمال مواد مستی‌آور برای تحقق جرم کفایت می‌کند و چنانچه مرتکب در حالت عقل، بلوغ و اختیار باشد، شرط دیگری برای تعقیب و مجازات کیفری وی لازم نیست. حال آن‌که در مورد غیرمسلمانان، افزون بر ارتکاب فعل مادی مثبت در حالت عقل، بلوغ و اختیار، شرط دیگری نیز ضروری است و آن تظاهر است؛ به این معنا که اگر شخص غیرمسلمان بدون تظاهر اقدام به شرب خمر یا استعمال مواد مستی‌آور کند، تعقیب و مجازات کیفری وی فاقد

مبنای قانونی خواهد بود. همین تفاوت، مبنای نگارش پایان‌نامه حاضر قرار گرفته است.

رکن معنوی

جرم شرب خمر در زمره جرائم عمدی قرار می‌گیرد و علاوه بر سایر شرایط مذکور، تحقق آن منوط به احراز «عمد در فعل» و «عمد در نتیجه» است. بدیهی است که برای تحقق «عمد در فعل»، شخص مرتکب باید رفتارش را از روی اراده و اختیار انجام دهد. در صورتی که فرد به اکراه یا اضطرار برای ارتکاب جرم شرب خمر اقدام کند، «عمد در فعل» از وی منتفی خواهد بود و مورد تعقیب کیفری قرار نخواهد گرفت. اما برای تحقق «عمد در نتیجه»، که یکی از شروط تحقق بزه محسوب می‌شود، لازم است شخص مرتکب قصد ایجاد حالت مستی و خروج از حالت طبیعی را داشته باشد و به همین منظور، اقدام به ارتکاب فعل مجرمانه نماید؛ حتی اگر در عمل، نتیجه مورد نظر (مستی) برای وی حاصل نشود.

مبانی شرعی پیرامون شرب خمر غیرمسلمانان

کتاب

مهم‌ترین منبع دستورات و فرامین خداوند متعال برای هدایت بشر و رسیدن به درجات متعالی، قرآن کریم است. با مراجعه به آیات این کتاب آسمانی، می‌توان به موضع اسلام در خصوص مسائل مختلف پی برد. خداوند در قرآن کریم، بسیاری از رفتارهایی را که موجب تنزل جایگاه انسان و شقاوت وی می‌شود، ممنوع اعلام کرده و صراحتاً دستور دوری از آنها را صادر نموده است. شرب خمر یکی از مصادیقی است که خداوند در آیات متعدد، از آن نهی کرده است. این آیات که به «آیات خمر» معروف هستند، در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

مفسران، چهار آیه از قرآن کریم را به موضوع حرمت شراب مرتبط دانسته‌اند:

۱- آیه ۶۷ سوره نحل:

« وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ » و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید. در این [امر] روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.

۲- آیه ۴۳ سوره نساء:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ ۖ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حالت مستی به نماز نزدیک نشوید تا بدانید چه می‌گویید.

۳- آیه ۹۰ سوره مائده:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و (نصب در بت‌ها) و (قرعه‌زنی) پلید، و از اعمال شیطانی است. پس از آن‌ها دوری کنید، باشد که رستگار شوید.

۴- آیه ۲۱۹ سوره بقره:

« يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ ۗ قُلِ الْعَفْوَ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ »

درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و منافی برای مردم است، ولی گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است. و از تو می‌پرسند: چه چیزی انفاق کنند؟ بگو: افزون بر نیاز. این‌گونه، خداوند آیات خود را برای شما روشن می‌گرداند، باشد که بیندیشید.

سنت

در خصوص موضوع شرب خمر، احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که برای تبیین کامل بحث و پی‌بردن به این مسئله که آیا تفاوت رویکرد قانون‌گذار پیرامون شرب خمر مسلمانان و غیرمسلمانان وجه شرعی دارد یا خیر، نیازمند بررسی دقیق این روایات هستیم. در ادامه، تعدادی از این روایات به تفصیل بیان خواهند شد:

ابو بصیر گوید: امام علیه السلام فرمود: حد یهودی، مسیحی و برده درباره شرب خمر و

تهمت زدن یکسان است و با اهل ذمه مصالحه شده که فقط در خانه‌های خود شراب بنوشند (کلینی، بی تا: ج ۷ ص ۲۳۹)

این حدیث و مانند آن، از جمله روایاتی هستند که به صورت تخصصی به موضوع شرب خمر غیرمسلمانان پرداخته‌اند. با این حال، تمسک به این احادیث برای ایجاد رویه قانونی و اعطای جواز شرب خمر به غیرمسلمانان، امری قابل تأمل است. همان‌گونه که در صدر روایت مشخص است، در اصل حکم (حد)، تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان (یهودی و نصرانی) در شرب خمر وجود ندارد و هر دو در صورت ارتکاب، به حد محکوم می‌شوند. قرارداد مصالحه میان کفار ذمی و مسلمانان برای جواز شرب خمر در خانه‌هایشان، به دو دلیل زیر قابل تعمیم به زمان حاضر نیست:

اولاً: هر قراردادی، به‌ویژه عقود و مصالحه‌هایی از این دست، دارای تاریخ انقضا و پایان است. بیان عبارت «مصالحه» و «صلح» در کلام امام، حاکی از موقت بودن آن قرارداد در زمان خاص است.

ثانیاً: به نظر می‌رسد این قرارداد در همان زمان نیز پایان یافته تلقی می‌شود؛ زیرا در احادیث بعدی که از نظر زمانی متأخر از این حدیث هستند، نسبت به شرب خمر، حکمی عام و بدون استثنا صادر شده است. لذا، اعطای جواز دائمی شرب خمر به غیرمسلمانان با تمسک به این احادیث، امری نادرست به نظر می‌رسد.

پیامبر خدا (ص) فرمود: بدانید که هر مست‌کننده‌ای حرام است، هر ماده تخدیرگری حرام است، و آنچه بسیارش مست‌کننده است، اندک آن نیز حرام است، و آنچه عقل را زایل می‌کند، حرام است. (ری شهری ۱۳۸۶: ۲۲۶)

در این حدیث شریف نبوی، پیامبر اکرم (ص) در انتهای کلام، به صورت ضمنی علت تحریم مسکرات را زوال عقل معرفی کرده و بیان می‌کنند که هر آنچه عقل را زایل کند، حرام است. قطعاً این تحریم و ممنوعیت، به دلیل آثار زیان‌بار و خطرناکی است که بر زوال عقل مترتب خواهد شد. این آثار، اختصاصی به مسلمانان و غیرمسلمانان نخواهد داشت. فلذا، در

بحث شرب خمر، بین مسلمانان و غیرمسلمانان تفاوتی از منظر شرع وجود ندارد که بتواند دلیلی برای تفاوت در قانون‌گذاری در این حوزه باشد.

امام کاظم علیه السلام: خداوند شراب را به خاطر نامش (اسم آن) حرام نکرده؛ بلکه به سبب پیامدها و عواقب آن حرام کرده است. پس، هر چیزی که پیامدهای شراب را داشته باشد، آن نیز شراب (حکم شراب را دارد) است. (ری شهری ۱۳۸۶:۵۰۵)

در این حدیث شریف نیز، امام معصوم (ع) به صراحت علت تحریم و ممنوعیت شرب خمر را ایجاد پیامدهای ناگوار و زیان‌بار آن معرفی کرده‌اند. در ایجاد حالت خطرناک ناشی از مصرف خمر، تفاوتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان وجود نخواهد داشت. چون شرع مقدس، به استناد ایجاد این حالت خطرناک، اقدام به اعمال ممنوعیتی نسبت به شرب خمر کرده است، پس از منظر شرع، تفاوتی بین مسلمانان و غیرمسلمانان در بحث شرب خمر وجود ندارد که بتواند دلیلی برای تفاوت در رویکرد قانون‌گذار در قانون پیرامون شرب خمر مسلمانان و غیرمسلمانان باشد. باشد.

بر اساس بررسی آیات و روایات، شرع مقدس اسلام تفاوتی میان مسلمانان و غیرمسلمانان در بحث شرب خمر قائل نشده است. واضح و مبرهن است که عدم استفاده از عباراتی مانند «گناه» و «معصیت» برای فرد غیر مسلمانی که مرتکب شرب خمر شده است، دلیلی بر عدم ممنوعیت استعمال برای وی از نظر خداوند متعال نیست؛ بلکه صرفاً یک نوع ادبیات دینی و مذهبی مختص مسلمانان است. به عبارت بهتر، شرب خمر برای مسلمانان ممنوع و حرام است، ولی برای غیرمسلمانان، صرفاً به دلیل خروج موضوعی از عنوان حلال یا حرام (که مختص احکام اسلامی است)، ممنوعیت آن از منظر عقلی و فلسفه احکام (که همان حفظ سلامت عقل و بدن و جامعه است) همچنان پابرجاست.

اجماع

اصولاً اجماع، به عنوان سومین دلیل در کشف احکام شرعی، زمانی معتبر است که کاشف از قول معصوم باشد. در مسئله شرب خمر، نظرات متفاوتی در میان فقها وجود دارد که در این نوشتار، سعی بر آن است تا با گزینش و بیان منتخب این نظرات، مشخص شود که آیا اتفاق نظر یا اجماعی در خصوص ممنوعیت شرب خمر، به ویژه نسبت به غیرمسلمانان، وجود دارد یا خیر.

علامه حلی در کتاب خود، در خصوص شرب خمر غیرمسلمانان، بیان می‌دارد که آنان این حق را دارند که به شریعت خود عمل کنند، حتی اگر آن عمل از نظر اسلام حرام باشد، مگر اینکه به آن عمل تظاهر و جهر کنند؛ در این صورت، بر اساس دین اسلام با آنان برخورد خواهد شد. مشهور فقها، حکم تظاهر به مصرف مسکر را مشمول تمامی گونه‌های غیرمسلمان، اعم از حربی، ذمی، معاهد و مستأمن، دانسته‌اند. اما اقلیتی از فقها با این استدلال که گناه کفر از گناه شرب خمر بزرگ‌تر نیست، صرف تظاهر کافر حربی به مصرف مسکر را موجب حد ندانسته‌اند و تنها در صورتی که قصد افساد داشته باشد، مجوزی برای تأدیب او قائل شده‌اند. همچنین، برخی دیگر از فقها، در فرض تظاهر و تجاهر به مصرف مسکر، حکم ممنوعیت و حرمت شرب خمر را صرفاً مقید به اهل ذمه کرده و نسبت به کفار حربی، معاهد و مستأمن، این ممنوعیت را قائل نشده‌اند.

آنچه از بررسی نظرات مشهور فقها مشخص می‌شود آن است که ایشان صرفاً در فرض تجاهر (آشکارا عمل کردن) به شرب خمر، حکم به ممنوعیت داده و مرتکب غیرمسلمان را مستحق حد دانسته‌اند. در فرض عدم تجاهر، اختلاف نظر محسوسی در میان نظرات ایشان وجود ندارد و بر عدم تحریم مصرف خمر توسط غیرمسلمانان در فرض عدم تجاهر، اجماع وجود دارد. بنابراین، هرگونه اختلافی عمدتاً مربوط به فرض تجاهر در مصرف مسکر توسط غیرمسلمان است.

با وجود این اجماع فقها بر عدم تحریم شرب خمر توسط غیرمسلمانان در فرض عدم

تجاهر، این اجماع که بیان‌کننده حکم تکلیفی است، نمی‌تواند دلیلی بر عدم ممنوعیت واقعی استعمال شرب خمر توسط غیرمسلمانان باشد؛ چرا که حرمت شرعی افعال، دایره مدار وجود مفسده در آنهاست و بر هیچ‌کس پوشیده نیست که شرب خمر دارای مفسده‌های گوناگون فردی، اجتماعی و اخلاقی است. اگر انجام کاری حرام است، به دلیل مفسده آن است و اگر فعلی مفسده داشته باشد، عقل حکم می‌کند که باید ممنوع باشد و در صورت ارتکاب، مجازاتی در پی داشته باشد. با همین استدلال می‌توان گفت که در ممنوعیت استعمال شرب خمر، تفاوتی میان مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد که بتواند منجر به تفاوت در رویکرد قانون‌گذار شود. حکمت اصلی تحریم، یعنی حفظ سلامت عقل و جامعه، امری عمومی است و نباید صرفاً به یک گروه خاص منحصر شود. در نتیجه، گرچه عنوان «حرمت شرعی» و «گناه» به‌طور خاص به مسلمانان تعلق دارد، اما اصل ممنوعیت شرب خمر، با توجه به مفسده‌های آن، امری فراگیر است که از منظر عقل و فلسفه احکام، شامل همه انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، می‌شود.

بنای عقل

با تکیه بر حکم عقل و بنای عقلا، که از منابع مهم استنباط احکام در فقه تشیع به‌شمار می‌روند، به نتایجی دست خواهیم یافت که در رسیدن به غرض و مقصود نهایی از نگارش این پایان‌نامه، نقشی بسیار مهم ایفا می‌کنند. عقل، به معنای نیروی اندیشه، از بهترین نعمت‌هایی است که خداوند متعال به بشر عطا کرده است. عقل در موارد گوناگونی به کمک بشر آمده است؛ اما در این نوشتار، ابتدا جایگاه و نقش عقل در عرصه استنباط احکام دینی بررسی خواهد شد تا به این پرسش مهم پاسخ داده شود که آیا عقل، در کنار کتاب، سنت و اجماع، دارای قدرت استنباطی و حجیت است یا اینکه در استنباط احکام شرعی، در ردیف کتاب و سنت قرار نمی‌گیرد. سپس، حکم عقل درباره مصرف مشروبات الکلی بیان خواهد شد. ادراک یقینی عقلی در موضوع شرب خمر، از نوع ادراک فطری نبوده، بلکه یک ادراک استقرایی

است. در این روش، عقل با بررسی موضوع شرب خمر به وسیله سایر علوم، حکم به حسن یا قبح آن خواهد داد. فلذا از این رو لازم است که اجمالاً موضوع شرب خمر در سایر علوم مانند علم تجربی، پزشکی، جامعه‌شناسی و حتی گردشگری نیز بررسی شود، که نتیجه این بررسی در کشف حکم عقل نسبت به موضوع شرب خمر غیرمسلمانان مؤثر خواهد بود.

قواعد معارض با رویکرد ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن

قاعده منع تبعیض

اصل برابری و منع تبعیض، به مثابه ستون فقرات هر تلاشی برای استقرار آرمان عدالت و اجرای مساوات، نقشی بنیادین ایفا می‌کند. استقرار عدالت و مساوات در جامعه، مستلزم ریشه‌کن ساختن تبعیض است؛ چرا که میوه شیرین عدالت، یعنی اعتماد، دوستی و مهربانی، در سایه فقدان تبعیض، در سراسر جامعه شکوفا خواهد شد. این اصل، که از صدر اسلام به عنوان یکی از دستورات محوری دینی مورد تأکید بوده است، در تدوین خط‌مشی سیاست‌گذاری حکومت اسلامی ایران نیز جایگاهی بسزا دارد. فصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به صراحت بر لزوم مساوات شهروندان و منع هرگونه تبعیض اصرار ورزیده است. با عنایت به این مقدمات، در فرآیند تدوین قوانین و مقررات، اهتمام ویژه‌ای به اصل منع تبعیض باید مبذول گردد. تنها در صورتی که عدم رعایت این اصل، به طور آشکار و قاطع، منفعت و مصلحت عام‌تری را نسبت به رعایت آن تأمین نماید، می‌توان به وضع قوانینی مخالف با آن اندیشید. با این حال، درخصوص موضوع شرب خمر غیرمسلمانان، ایجاد تبعیض و اتخاذ رویکردی متفاوت در قانون‌گذاری، نه تنها هیچ‌گونه منفعت و مصلحت قابل توجهی را در بر ندارد، بلکه پیامدهای زیان‌باری را به همراه دارد. این تبعیض می‌تواند منجر به ایجاد حس نابرابری در جامعه، تسهیل ارتکاب جرائم مرتبط، و در نهایت، دین‌گریزی گردد. لذا، به نظر می‌رسد رویکرد متفاوت مقنن در وضع قوانین مربوط به شرب خمر، امری غیرضروری،

بلااثر و حتی مضر بوده است. امید است که با اصلاحات آتی، این رویکرد به شیوه‌ای شایسته‌تر و عادلانه‌تر مورد بازنگری قرار گیرد.

قاعده دفع افسد به فاسد

مفاد قاعده فقهی «دفع افسد به فاسد» بر این اصل استوار است که در هنگام تزامم میان دو ضرر یا دو مفسده، باید عملی که منجر به ضرر و مفسده شدیدتر می‌گردد، ترک شود و عملی که مفسده کمتری دارد، انجام پذیرد. در مورد شرب خمر توسط غیرمسلمانان، وضعیت به گونه‌ای است که امر دائر میان دو گزینه قرار می‌گیرد: اول، منع غیرمسلمانان از شرب خمر، مشابه ممنوعیت برای مسلمانان؛ و دوم، جواز شرب خمر برای ایشان.

با توجه به مباحث مطروحه در فصل دوم، در خصوص تأثیرات منفی پزشکی و اجتماعی شرب خمر، و نیز ملاحظات مربوط به گردشگری و عدم ممنوعیت دینی-مذهبی برای غیرمسلمانان، این موضوع پیچیدگی‌هایی می‌یابد. از یک سو، ممنوعیت شرب خمر برای غیرمسلمانان می‌تواند موجبات ضرر به صنعت گردشگری، و همچنین محدودیت در اعمال آزادی‌های دینی و مذهبی ایشان را فراهم آورد. ولیکن، از سوی دیگر، ماهیت شرب خمر صرفاً یک ممنوعیت دینی یا مذهبی نیست؛ بلکه با توجه به مفسده‌های جدی پزشکی و اجتماعی اثبات شده، خود دارای ضرر و قبح ذاتی قابل توجهی است. در چنین شرایطی، اعمال قاعده «دفع افسد به فاسد» ایجاب می‌نماید که ضرر و مفسده ناشی از جواز شرب خمر، که بر اساس شواهد علمی و اجتماعی، عام‌تر و شدیدتر است، مقدم بر ضررهای احتمالی ناشی از ممنوعیت آن (مانند تأثیر بر گردشگری یا محدودیت آزادی‌های مذهبی) در نظر گرفته شود. لذا، با اتکا به این قاعده، ممنوعیت قانونی شرب خمر برای غیرمسلمانان، به عنوان اقدامی در جهت دفع مفسده اعظم، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این ممنوعیت، از ضررهای گسترده‌تر جسمی، روحی و اجتماعی که با جواز مصرف الکل تشدید می‌یابد، جلوگیری می‌کند.

نتیجه‌گیری

شرب خمر، به عنوان رفتاری که سلامت جسم و روح افراد و اجتماع را تهدید می‌کند و به عنوان یک "جرم مادر" زمینه‌ساز جرائم متعدد دیگر محسوب می‌گردد، متأسفانه در قوانین و مقررات کشور، کمتر مورد توجه بایسته قرار گرفته است. قوانین موجود نیز فاقد قدرت بازدارندگی کامل بوده و عمدتاً با رویکردی تشریفاتی و رفع تکلیفی وضع شده‌اند. این وضعیت در خصوص شرب خمر غیرمسلمانان، به شکلی آشکار نمود یافته است؛ جایی که قانونگذار رویکردی تبعیض‌آمیز، تسامح‌آمیز و سهل‌انگارانه اتخاذ کرده است. این رویکرد نه تنها راهگشا نبوده، بلکه به بسترسازی برای مشکلات عدیده‌ای منجر شده است.

با بررسی ادله و منابع شرعی که به گمان اولیه، علت تامه وضع ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن محسوب می‌شدند، مشخص گردید که در شریعت مقدس اسلام، دلیلی قطعی و کافی برای این تفاوت رویکرد قانونگذار وجود ندارد. علیرغم وجود برخی آیات و روایات در مذمت شرب خمر، و همچنین با در نظر گرفتن حکم عقل و یافته‌های علوم جدید در خصوص مضرات مطلق این رفتار، مبنای شرعی مستحکمی برای قائل شدن به تفکیک و تبعیض در برخورد قانونی با شرب خمر غیرمسلمانان یافت نمی‌شود. علاوه بر این، با توجه به رویکرد شریعت اسلام مبنی بر ارجاع امور تخصصی به نظر کارشناسان و متخصصان (مبنی بر "کلید حکم در امور تخصصی، رجوع به نظر اهل آن است")، تفاوت در رویکرد قانونگذار در این ماده، نمی‌تواند مستند به موازین شرعی و عقلی قطعی دانسته شود. با توجه به موارد فوق، به نظر می‌رسد قانون موجود نیازمند اصلاحات اساسی در راستای رفع ابهامات مفهومی، انطباق با مبانی شرعی و عقلی، و تقویت قدرت بازدارندگی خود باشد تا بتواند به طور مؤثر با پدیده‌ی شرب خمر و پیامدهای آن مقابله کند.

با عنایت به مباحث مطروحه و تحلیل‌های انجام شده، پیشنهاداتی در راستای اصلاح و بهبود قوانین کیفری مرتبط با شرب خمر، به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

تعریف جامع و مانع شرب خمر غیرمسلمانان:

قانونگذار باید نسبت به ارائه تعریفی جامع و مانع از مفهوم "شرب خمر غیرمسلمانان" در قوانین کیفری اقدام نماید. تعاریف کنونی، مبهم بوده و منجر به ایجاد چالش و تردید در تعیین مصادیق دقیق جرم می‌گردد. این امر، لزوم ایجاد شفافیت در قانون را دوچندان می‌سازد.

تعیین معیار شرعی و علمی برای تشخیص مسکر بودن مواد:

ضرورت دارد معیار و ملاک مشخص و معینی برای تشخیص مسکر بودن مواد (اعم از سنتی و صنعتی) با تکیه بر معیارهای شرعی و علمی دقیق تعیین گردد. معیارهای فعلی، کلی بوده و در بسیاری از موارد، فاقد قابلیت اجرایی لازم هستند، که این امر مانع از برخورد قاطع و عادلانه با پدیده شرب خمر می‌گردد.

اصلاح و بازبینی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی (مربوط به تعریف شرب خمر):

با توجه به اینکه شرب خمر به عنوان یک "جرم مادر" تلقی می‌شود و زمینه‌ساز تحقق بسیاری از جرائم دیگر است، ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی نیازمند بازنگری اساسی است. این بازنگری باید با دیدگاهی دقیق‌تر صورت گیرد تا قابلیت بازدارندگی قانون در قبال این جرم و جرائم مرتبط با آن، افزایش یابد.

اصلاح و بازبینی ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی (مربوط به قیود و عبارات):

عبارات و قیودی که در متن ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی به کار رفته است، نظیر "کم باشد، مست نکند"، فاقد مبنای شرعی و علمی محکم بوده و از قابلیت اجرایی و پیگیری عملیاتی برخوردار نیستند. لذا، اصلاح این بخش از ماده، با هدف انطباق با واقعیت‌های علمی و مبانی شرعی، ضروری است.

اصلاح و بازبینی ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی (مربوط به مجازات شلاق):

مجازات شلاق، با توجه به ضعف در بازدارندگی و همچنین چالش‌های اجرایی در عصر حاضر، به تنهایی قادر به اصلاح و بازپروری فرد مرتکب نیست. بنابراین، بازبینی این ماده و در نظر گرفتن مجازات‌های جایگزین یا مکمل که اثرات اصلاحی عمیق‌تری داشته باشند، توصیه می‌گردد.

اصلاح و بازبینی ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی (مربوط به تبعیض):

تبعیض ناروای موجود در ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی، فاقد مبنای شرعی و علمی محکم است. پیشنهاد می‌شود این تبعیض مرتفع گردد و با بهره‌گیری از مولفه‌های دینی و علمی موجود، فصل مستقلی در قوانین به صورت جامع و کامل تدوین شود. این امر نه تنها به حل مشکلات عدیده ناشی از شرب خمر کمک خواهد کرد، بلکه با لحاظ نمودن ملاحظات مربوط به موضوع گردشگری، راهگشای مسائل این حوزه نیز خواهد بود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- استندج، تام (۱۳۹۹) تاریخ جهان در شش لیوان، تهران: نشر نی.
- حق شناس، محمد جواد (۱۳۹۹). تحلیلی بر پیامدهای ناخواسته سیاست های عمومی، فصلنامه سیاستگذاری عمومی دوره ۶ شماره ۴.
- ری شهری، محمد مهدی (۱۳۸۴). میزان الحکمه، تهران: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث
- شاکری، ابوالحسن و محمد حسن مالدار (۱۳۹۶) جرائم ناشی از مصرف الکل توسط گردشگران خارجی غیر مسلمان در حقوق ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ششم شماره ۲۳.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۹ ه.ق) العروه الوثقی جلد ۱. قم: دفتر نشر اسلامی
- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب سال (۱۳۶۱)
- کمیجانی، داوود و روشنگر کاظمی مقدم (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی حرمت نوشیدن شراب در قرآن کریم و عهدین. قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵). بحارالانوار. قم: دارالکتاب اسلامی